

۲۵۳۴

۱۳۹۸/۴/۴



## نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

نامه دبیرکل نهضت آزادی ایران به رئیس شبکه مستند سیما در پی نمایش فیلم مستند «راه طی شده»

بسمه تعالی

رئیس محترم شبکه مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام و آرزوی توفیق جنابعالی در پایبندی به اخلاق در مدیریت و خدمت به مردم از طریق آگاهی بخشی و تعالی اخلاق عمومی جامعه؛

در روز ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ شبکه مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران، در برنامه «به اضافه مستند» به مدت ۱۳۰ دقیقه، فیلم موهن و تحریف‌گر واقعیات مسلم تاریخی موسوم به «مستند راه طی شده» را نمایش داد. این برنامه شامل پخش کامل مستند و اظهارات دو منتقد سینمایی بود که بدون ارایه مبانی حرفه‌ای و تاریخی، گویا رسالتی جز تمجید و تایید و حمایت از آن مستند را بر عهده نداشتند و در پایان، میزگرد ممیزی شده و کوتاهی با حضور کارگردان فیلم و جناب آقای محمد قوچانی نمایش داده شد که در آن، بخش مهمی از مواضع حق‌گرایانه آقای قوچانی که مستند به مجموعه آثار مکتوب زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان، اسناد و حقایق تاریخی و نظری بود، نیز حذف شده بود. این اقدام به جهات زیر موجب تاسف و اعتراض جدی نهضت آزادی ایران قرار دارد:

۱. اگرچه «تدوین» عنصری جدانشدنی از هر اثر سینمایی است، اما «واقعیت‌سازی» رکن اصلی هر اثر «مستند» است. از این رو، در آثار مستند، «تدوین» نباید و نمی‌تواند منجر به ارایه تصویر یا القای پیامی خلاف واقع شود. ناگفته پیداست که «پژوهش»، دیگر عنصر بنیادین سینمای مستند قلمداد می‌شود. رعایت «بی‌طرفی»، «انصاف حرفه‌ای»، «پرهیز از پیش‌داوری» و یا چرخش دوربین به زوایای گوناگون هر واقعیت تاریخی یا سیاسی نیز از جمله شاخص‌های اعتبارسنجی هر فیلم مستند تاریخی و سیاسی به

حساب می‌آید. مستندساز به «واقعیت» متعهد است و اگرچه خودش نیز به عنوان یک انسان، فهمی از واقعیت‌ها دارد، اما اخلاق حرفه‌ای اقتضا می‌کند که فهم خود را مطلق نکند و داوری غایی را به مخاطب اثر واگذارد.

بنا بر مولفه‌های یاد شده، «مستند راه طی شده» با استانداردهای یک اثر مستند مطابقت ندارد و بیشتر به یک تیزر سفارش شده سینمایی شبیه است. مستند یاد شده، اصولاً از گونه «مستندسازی‌های سیاسی» به شمار می‌رود که پیش از این هم وجود داشته است و عرضه آن در دادگاه‌های سیاسی و پرونده‌سازی علیه جریان خاص فکری و اجتماعی «روشنفکری دینی» کاربرد بیشتری دارد. فیلم یاد شده بر خلاف واقعیت‌های تاریخی در صدد القای دو شبهه اساسی است: نخست آن که زنده‌یاد مهندس بازرگان «التقاط سیاسی و دینی» داشت و با نادیده گرفتن آگاهانه وجه مبارزات ضداستیلاي خارجی مهندس بازرگان در نهضت ملی شدن نفت ایران و بدون توجه به نقش اساسی ایشان در خلع ید از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس و مشارکت و نقش‌آفرینی آن بزرگوار در فراگیر ساختن اعتراضات علیه قرارداد کنسرسیون و نیز مبارزه و آگاهی‌بخشی درباره نقش آمریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و افشای دخالت دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران، کارگردان جوان مستند راه طی شده، حتی ابا ندارد که مدعی اثرپذیری یا ارتباط مرحوم مهندس بازرگان با شبکه فراماسونری و شیفتگی آن مومن حق‌گرا به فرهنگ «غرب» شود و دوم آن که طوری وانمود می‌شود که مهندس بازرگان، زمینه‌ساز فکری و عملی «سازمان تروریستی مجاهدین خلق ایران» بوده است.

۲. مستند یاد شده در یک خلط آشکار تاریخی و نظری و بدون تفکیک مشی مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در پیش از انقلاب اسلامی که علیه استبداد مطلقه شاه، فساد دربار پهلوی، اختناق ساواک و حضور مستشاران نظامی آمریکایی قیام کرده بود، با رویکرد نظامی و تروریستی آن سازمان پس از وقایع خرداد ۱۳۶۰، از هر دو دوره با عنوان «تروریسم» تعبیر می‌کند. تایید سران نظام جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های مسلحانه آن دوران و تجلیل‌های مکرر از شهدای بنیان‌گذاران شریف سازمان مجاهدین خلق که در طول چهار دهه گذشته به دفعات توسط روحانیون برجسته انقلاب اسلامی صورت گرفته و اسناد آن در دسترس است و حتی این واقعیت که نام یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور هنوز به نام «شهید مجید شریف واقفی» مزین است، دلالت بر غفلت و بلکه انحراف دیدگاه سیاسی سازندگان، حامیان و مروجان مستند «راه طی شده» دارد.

در یکی از فرازهای فیلم، با تحریف واقعیات تاریخی و تمرکز بر حمایت اعضای جوان‌تر نهضت آزادی ایران از مجاهدین خلق که به بازداشت و حبس آقایان مهندس عزت‌الله سحابی و مهندس محمد توسلی در سال ۱۳۵۰ می‌انجامد، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که گویا تنها حامی سازمان مجاهدین خلق در آن دوره، نهضت آزادی ایران و شخص مهندس بازرگان بوده است و حال آن که سازندگان فیلم، متعمدانه نادیده

می‌گیرند که در این پرونده، ساواک متهم دیگری هم داشت که آقای اکبر هاشمی رفسنجانی از شاگردان و نزدیکان آیت‌الله خمینی بود. در خاطرات آقای هاشمی بارها به صراحت قید شده است که تا سال ۱۳۵۴ بسیاری از روحانیون مبارز ایران که بعدها در زمره رهبران روحانی انقلاب قرار گرفتند، حمایت‌های فراوان مالی، تبلیغاتی و سیاسی از مجاهدین اولیه به عمل آورده‌اند.

کادر فیلمسازی مستند یادشده به طور مطلق بیان می‌کند که آیت‌الله خمینی و استاد مطهری، هیچ‌گاه با مشی مسلحانه در دوران پیش از انقلاب موافق نبوده‌اند. این ادعا افزون بر آن که با واقعیات تاریخی و دفاع و حمایت‌های مکرر ایشان از اقدامات سازمان‌هایی نظیر «فداییان اسلام» و «موتلفه اسلامی» و مشارکت موثر شهید استاد مطهری در شورای افتاء موتلفه اسلامی هم‌خوانی ندارد و با تجلیل‌های مکرر و مستمر ایشان و بسیاری دیگر از مقامات رسمی کشور از شخصیت‌هایی مانند «نواب صفوی» و «محمد بخارایی» و «سید علی اندرزگو» و ..... تعارض دارد، به این پرسش مهم تاریخی پاسخ نمی‌دهد که چرا فقط مبارزات مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در پیش از انقلاب، مصداق تروریسم است؟

یادآوری می‌کند که پیش از انقلاب، تنها سه گروه علیه «مشی مسلحانه» موضع آشکار داشتند: دربار، ساواک و روحانیون مرتجع به تعبیر رهبر فقید انقلاب. نه آیت‌الله خمینی و نه استاد مطهری هرگز در دوران پیش از انقلاب، علیه مشی مسلحانه سازمان مجاهدین خلق مخالفتی ابراز نکردند. انتقادات ایشان، صرفاً متمرکز بر مبانی ایدئولوژیک و معرفتی سازمان بود. دلایل مخالفت افاق فکر مستند یاد شده با مبارزات سازمان مجاهدین خلق در دوران پیش از انقلاب اسلامی، آیا به همسویی سیاسی و اعتقادی با جریان‌های خاص بر نمی‌گردد که پیش از انقلاب با اصل مبارزه در دوران غیبت امام زمان مخالف بودند و امروز، نماینده آن جریان به عنوان مشاور اصلی و تئوریسین این فیلم نقش‌آفرین بوده است؟

تعمد کادر فیلمسازی در بی‌توجهی به مسلمات تاریخی و بی‌تقوایی عیان فیلمساز در مونتاژ گزینشی مصاحبه دکتر محمد مهدی جعفری با مضمون حمایت مهندس بازرگان از مبارزات مسلحانه بنیان‌گزاران سازمان مجاهدین خلق در دهه چهل خورشیدی، بر روی تصاویری از میتینگ معروف مسعود رجوی و صحنه‌های درگیری‌های خیابانی خرداد ۱۳۶۰ و القای این امر خلاف واقع که بازرگان از مشی سازمان مجاهدین خلق در دوران پس از انقلاب حمایت می‌کرد، از نظر هر مخاطب تیزبین و منتقد حرفه‌ای به دور نمی‌ماند و جای تاسف دارد. کارگردان ابا ندارد که حتی از تصاویر مسعود رجوی در سالیان پس از خروج از کشور که در کنار مریم رجوی حضور دارد، در راستای القای شبهه حمایت بازرگان از اقدامات سرکردگان آن سازمان بهره‌برداری کند و حال آن که عملکرد و پاسخ روشن مهندس بازرگان به رهبر مجاهدین خلق در برهه‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی از جمله پاسخ مهندس بازرگان به آنان پس از پایان سفر به آلمان و حضور در کنگره شرق شناسان در سال ۱۳۶۴، پرده از هر شبهه‌ای بر می‌دارد.

مواضع راهبردی و مشفقانه مهندس بازرگان که در نامه پدرانه معروف به «فرزندان مجاهد و مکتبی‌ام» در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ منتشر شد و البته با پاسخ تلخ هر دو طرف ماجرا روبرو شد، امروزه به عنوان تنها راه حل واقع بینانه و یگانه رویکرد اصولی در چارچوب منافع ملی و حقوق اساسی ملت ایران ارزیابی می‌شود که می‌توانست از رشد فزاینده جنگ قدرت و بازتولید خشونت پیشگیری کند. رویکرد این نامه از چنان ظرفیتی برخوردار بود که می‌توانست از وقایع ۳۰ خرداد شصت به عنوان خطی انحرافی و فرآیندی مخرب بر ماهیت سازمان مجاهدین خلق و گفتمان نظام جمهوری اسلامی ایران که تا امروز، ادامه و اثرگذاری دارد، ممانعت به عمل آورد.

۳. از میان مخالفان مطرح بازرگان، هیچ فرد شاخصی تا کنون مدعی نشده که بازرگان التقاطی بود و «راه طی شده» کتابی انحرافی از منظر دینی به شمار می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی که در سال ۱۳۷۳ به مناسبت درگذشت مهندس بازرگان منتشر شد، چنین می‌گوید: «ایشان [بازرگان] از پیشروان ترویج و تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین بود و در این رهگذر، بی‌شک در چشم همه علاقه‌مندان به گسترش و رواج ایمان اسلامی در میان طبقه تحصیل کرده در دوران خفقان و دین‌زدایی رژیم پهلوی، دارای شان به خصوص بود.» به رغم تفاوت دیدگاه‌های سیاسی، ایشان هیچ اشاره‌ای دال بر التقاط عقاید و آثار بازرگان نداشته و بلکه از این حیث، در مقام تجلیل برآمده است.

از مهندس لطف الله میثمی نقل شده است که محمد حنیف‌نژاد و جمعی از مجاهدین اولیه در دهه چهل به دیدار دکتر بهشتی به قم رفته و از ایشان می‌خواهند که منابعی را برای مطالعه معرفی کند و دکتر بهشتی هم می‌گوید: بروید «راه طی شده» را بخوانید. همراهی و موافقت استاد مطهری با مهندس بازرگان در طول بیش از سی سال نیز، حقیقت غیرقابل انکاری است که نمی‌توان آن را در سایه نقد فلسفی ایشان بر کتاب «راه طی شده» پنهان کرد. آیت الله خمینی در مقام رهبری انقلاب اسلامی ایران، در هر دو حکم انتصاب مهندس بازرگان به نخست وزیری و پذیرش استعفای ایشان، «مراتب ایمان به مکتب اسلام و سوابق خدمات ملی و اسلامی» این مصلح بزرگ را یادآوری می‌کند.

پاسخ کارگردان «مستند راه طی شده» به این چالش بنیادین نسل جوان چیست که می‌پرسند: چگونه «فیلمساز محترم» به چنین کشفی دست یافته که بازرگان التقاط داشته و در «راه طی شده» افکاری انحرافی را عرضه کرده است، اما مجتهدان نامداری مانند مطهری و بهشتی و طالقانی و باهنر و مفتاح و حتی رهبری نظام جمهوری اسلامی، متوجه انحراف فکری بازرگان نشدند؟ کتاب «راه طی شده» در حدود سه دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نگارش یافته و تا آن تاریخ، بارها تجدید چاپ شده بود. اگر این کتاب و دیگر آثار مهندس بازرگان واجد «التقاط» بود، چرا شورای انقلاب و رهبر فقید انقلاب، به جز زنده‌یاد مهندس بازرگان، مطلقاً هیچ گزینه دیگری را به عنوان رییس دولت موقت انقلاب اسلامی مد نظر

نداشته و مطرح نکردند؟ و بر همین اساس، مهم‌ترین مأموریت تاریخ معاصر ایران را، تنها به ایشان می‌سپارند.

۴. مستند پخش شده از تلویزیون جمهوری اسلامی تصریح می‌کند که مهندس بازرگان در قبال جنگ تحمیلی، غیرمسئولانه و منافقانه عمل کرده و جز شهید چمران، هیچ فرد دیگری از اعضای نهضت آزادی ایران، حضور یا اثری در جبهه‌ها نداشته‌اند. گویا سازندگان مستند بازرگان در این مورد هم شتابزده داوری کرده‌اند و تصاویر حضور مهندس بازرگان در جبهه و یا مستندات فراوان منتشر شده از حضور در صحنه و حمایت اعضای نهضت آزادی ایران از جنگ را اعم از دکتر ابراهیم یزدی، مهندس محمد توسلی، خسرو منصوریان، مهندس خسرو قشقایی و ده‌ها جوان ناشناخته و علاقه‌مند به نهضت آزادی تا تاریخ فتح خرمشهر، عمداً نادیده گرفته‌اند.

این مستند در کمال بی‌اخلاقی با نمایش‌گرینشی‌گزیده‌ای از سخنان آزادی‌خواه عارف‌مسلمان، شهید دکتر مصطفی چمران مبنی بر دفاع از ادامه جنگ، در صدد القای این شبهه بر می‌آید که میان دکتر چمران به عنوان عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و مهندس بازرگان در مقام دبیرکل، در این باره اختلاف دیدگاه و تعارض وجود داشته است، در حالی که بنا بر اسناد مسلم تاریخی، مخالفت نهضت آزادی ایران با ادامه جنگ، پس از فتح خرمشهر صورت گرفت؛ یعنی پس از خرداد ۱۳۶۱ و بنا بر ارزیابی و تحلیل این حزب ملی و اسلامی از پیامدهای جبران‌ناپذیر ادامه جنگ بر مبنای شاخص‌های منافع ملی ایران و تاسی به آموزه‌های قرآنی که در قالب بیانیه‌های رسمی مختلف از جمله با عنوان «جنگ و صلح» مطرح شد و حال آن که دکتر چمران در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ یعنی حدوداً یازده ماه پیش از این زمان، به مقام شهادت نایل آمده بود. به عبارت دیگر، در آن بازه زمانی که شهید چمران از ادامه جنگ دفاع می‌کرد، مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران نیز دیدگاهی جز آن نداشتند.

۵. پاسداری و حفظ سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، ضرورتی بی‌بدیل و کنشی عقلانی و تردیدناپذیر است. نادیده گرفتن مطلق این همه مستندات مسلم تاریخی و تلاش سازمان‌یافته برای تخریب سرمایه‌های نمادین ملی ایران و تلاش برای مخدوش کردن اعتبار یک شخصیت موثر و خدمت‌گذار تاریخی مانند مهندس بازرگان و طرح این ادعا که «بازرگان نه ملی بود و نه مذهبی»، افزون بر بی‌اعتباری اصالت انقلاب و تنزل اخلاقی و سیاسی جایگاه مدیریت و رهبری انقلاب و به جز رشد فزاینده ناامیدی و بی‌اعتمادی در میان مردمی که در حدود دو سوم ایشان در دوران انقلاب حضور نداشته‌اند، حاوی چه پیامی برای جامعه ما می‌تواند باشد؟

پیام ترویج این گونه مستندسازی‌های ضداخلاقی و اشاعه خلاف واقعیات علیه رهبران و مدیران ارشد جنبش مردمی انقلاب اسلامی مانند زنده‌یادان مهندس بازرگان و آیت‌الله العظمی منتظری برای نسل سوم انقلاب که عموماً تصویر و خاطره مستقیمی از این شخصیت‌ها در ذهن ندارند، به جز القای این شبهه که

شورای انقلاب و مدیریت کلان انقلاب در دست کسانی بوده است که التقاطی و سازشکار و خائن و فتنه‌گر و بی‌بصیرت بوده‌اند، چه می‌تواند باشد؟ آیا این شبهه‌افکنی‌های بی‌پایه که از طریق پایگاه‌های تبلیغاتی رسمی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی انجام می‌پذیرد و نه توسط شبکه‌های رسانه‌ای معاند و ضدانقلاب، می‌تواند پیامی جز تخریب اصالت انقلاب و ایراد خدشه به اعتبار و جایگاه رهبری آن داشته باشد که عموم یاران و مدیران منتخبش، فاقد شایستگی معرفی می‌شوند؟

چهار دهه است که این گونه پیام‌ها توسط سلطنت‌طلب‌ها، براندازان و زخم‌خوردگان از انقلاب داده می‌شود. آن‌چه قابل فهم نیست این نکته است که تامین بودجه این فیلم از سوی سازمان تبلیغات اسلامی و اشاعه این پیام مخرب به وسیله مدیریت کلان سیمای جمهوری اسلامی، جز تهی ساختن نظام از سرمایه‌های اجتماعی آن و خدشه‌دار کردن اعتبار و اصالت انقلاب، دارای چه ضرورتی بوده و در راستای دفاع از کدام آرمان انقلاب و رکن نظام قرار دارد؟

نهضت آزادی ایران ضمن قدردانی از حضور موثر و دفاع اخلاقی، منسجم و مستند آقای محمد قوچانی در برابر شبهات مستند «راه طی شده» به ساخت و تبلیغ و ترویج این مستند از تلویزیون رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران اعتراض دارد و امیدوار است که مدیریت آن سازمان، با توجه به پیامدهای مخرب و معارض با منافع ملی چنین برنامه‌هایی، مسئولانه رفتار کند و با پذیرش اصل بنیادین حاکمیت ملت و حقوق آزادی‌های اساسی مردم ایران، در صدد اصلاح عملکرد و مشی ضدملی خود برآید و به این هشدار جدی توجه کند که پیامد حذف چهره‌های موثر انقلاب، تخریب سرمایه‌های اجتماعی و تقلیل و تخفیف سرمایه‌های نمادین یک جنبش اجتماعی، محدود به ابعاد رقابت‌های صرف سیاسی نمی‌شود و در دراز مدت، آثار جبران‌ناپذیری در گسترش شعله‌های ناامیدی، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی و تعمیق بحران‌های ساختاری نظام خواهد داشت. والعاقبه للمتقین.

محمد توسلی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

سوم تیر ماه ۱۳۹۸

گیرندگان رونوشت :

- . ریاست محترم سازمان صدا و سیما جهت استحضار و اقدام مقتضی.
- . شورای عالی نظارت بر سازمان صدا و سیما جهت استحضار و اقدام مقتضی.
- . معاون محترم رییس جمهور در حقوق شهروندی جهت استحضار و پیگیری.